

نگاهی نو به سیاست‌های نفتی

تألیف: فرانسیسکو پارا

مترجم: مریم پاشنگ

ویراستار: شکور آرین خواه

با مقدمه ای از دکتر علی مبینی دهکردی

زمستان ۱۳۸۴

از انتشارات شبکه اطلاع رسانی نفت و انرژی «شانا» و انتشارات آن

پارا، فرانسیسکو
نگاهی نو به سیاست‌های نفتی / تألیف فرانسیسکو
پارا؛ مترجم مریم پاشنگ؛ ویراستار شکور آرین‌خواه؛
[با همکاری شبکه اطلاع‌رسانی نفت و انرژی (شانا)]
-- تهران: انتشارات آن، ۱۳۸۴.
۶ ص.

ISBN 964 - 8065 - 47 - 0 ریال ۲۷۰۰۰

فهرست‌نویسی بر اساس اطلاعات فیبا.
۱. نفت -- صنعت و تجارت -- جنبه‌های سیاسی.
الف. پاشنگ، مریم، ۱۳۵۱ - مترجم. ب. شرکت ملی
نفت ایران. شبکه اطلاع‌رسانی نفت و انرژی. ج.
عنوان.

۲۳۸/۲۷۲۸۲

HD۹۵۶۰/۶

م ۸۴-۳۸۴۸۶

کتابخانه ملی ایران

نگاهی نو به سیاست‌های نفتی

نویسنده: فرانسیسکو پارا

ترجمه: مریم پاشنگ

ویراستار: شکور آرین‌خواه

با همکاری: شبکه اطلاع‌رسانی نفت و انرژی (شانا)

صفحه‌آرایی، امور فنی و طراحی جلد:

مصطفی رنگرز - مهیار اردیبهشت

ناشر: انتشارات آن

لیتوگرافی: آران گرافیک

چاپ: آثار

صحافی: الهادی

تیراژ: ۲۰۰۰ جلد

نوبت چاپ: اول - زمستان ۱۳۸۴

قیمت: پنج هزار تومان

شابک: ۹۶۴-۸۰۶۵-۴۷-۰

خیابان ولی‌عصر (عج) - بالاتر از زرتشت - کوچه غفاری - پلاک ۸ - واحد ۶
www.ANpublication.com ۸۸۹۲۳۱۶۰ - ۸۸۹۲۴۲۲ - ۸۸۹۲۷۸۸۶
کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر به انتشارات آن تعلق دارد.

فهرست مطالب

صفحه

مقدمه نویسنده	۷
مقدمه مترجم	۱۵
پیشگفتار	۱۷
فصل اول - امتیازات بنیادین	۲۲
فصل دوم - انفجار بزرگ و رشد بازار	۵۷
فصل سوم - تعیین ساختار قیمتی نفت خام	۹۱
فصل چهارم - رشد رقابت	۱۱۳
فصل پنجم - ظهور اوپک سال های ۱۹۶۰-۱۹۶۸	۱۵۱
فصل ششم - توافقتنامه تهران تریپولی	۱۸۷
فصل هفتم - کشمکش برای کنترل بازار	۲۲۵
فصل هشتم - توجه به وارد کنندگان ۱۹۷۱-۱۹۷۳	۲۵۵
فصل نهم - بحران سال ۱۹۷۳	۲۷۱
فصل دهم - نتایج بحران سال ۱۹۷۳	۲۹۳
فصل یازدهم - بحران سال ۱۹۷۹	۳۲۹
فصل دوازدهم - واکنش به قیمت ها و سیاستها	۳۶۹
فصل سیزدهم - توسعه صنعت نفت تولید کنندگان غیر اوپک بعد از سال ۱۹۷۰	۳۹۵
فصل چهاردهم - اوپک در منگنه	۴۱۳
فصل پانزدهم - جنگ خلیج فارس ۱۹۹۰-۱۹۹۱	۴۴۳
فصل شانزدهم - دنیای جدید نفت	۴۷۱
فصل هفدهم - سیاست های قیمتی و تنوع عرضه کنندگان	۴۹۵
سخن آخر	۵۰۹

امروزه بیشتر نفتی که در جهان مصرف می‌شود از یک کشور به کشورهای دیگر صادر می‌شود. نفت کالایی است که بیشترین سهم را در تجارت بین‌المللی دارد و صنعت نفت یکی از بزرگ‌ترین و بین‌المللی‌ترین صنایع در جهان است.

چرا نفت اینقدر اهمیت دارد:

نکته جالب این است که اهمیت نفت در چرا و فقط چرا خلاصه نمی‌شود بلکه عوامل متعدد دیگری در این بین مطرح هستند که در این کتاب بر سه عامل تأکید شده است. صنعت بین‌المللی نفت تماماً به دست هفت کشور بزرگ نفتی توسعه داده شد که هر کدام از این شرکت‌ها تاریخچه رنگین خاص خود را دارند هرچند قصه ما از سال ۱۹۵۰، زمانی که این شرکت‌ها راه واحدی را برای ارائه فعالیت خود پیش گرفتند، شروع می‌شود. نگرانی این شرکت‌ها که اکثراً به آمریکا، اروپای غربی داشتند زمانی شروع شد که بخش بالادستی و تولید نفت خام این کشورها روند نزولی خود را شروع کرد و این نشانی از خاتمه تجارت بین‌المللی آنها بود. اما نفت خام زیادی در تعدادی از کشورهای عقب مانده آن زمان (مثلاً در حال توسعه هستند) در خاورمیانه و آمریکای لاتین وجود داشت که توسط دولت‌های آن کشورها کنترل می‌شد. همین مسئله نوع عجیبی از ارتباط را بین سرمایه‌گذار و کشور میزبان ایجاد کرد و از آنجا که بعضی از این کشورها مستعمره و یا تحت‌الحمایه انگلیس بودند و یا از بعضی جهات وابستگی به انگلیس یا آمریکا داشتند، سیاست مستعمراتی در این کشورها پررنگ‌تر شد. به طور خلاصه این روابط به شکل توافق نامه‌های واگذاری امتیازات نفتی بلند مدت به شرکت‌های نفتی ظاهر شد که از نقطه نظر قانونی برخلاف قوانین حقوقی کشورهای میزبان دارای ذخایر نفتی بود. البته ابعاد دیگری از این روابط از نقطه نظر سیاسی، تجاری و فرهنگی وجود داشت که بازار در آن زمان در سال‌های جنگ سرد اهمیت بیشتری پیدا کرد.

در این شرایط پیچیده مسئله دیگری هم مطرح است. یکی از این مسائل این است که نفت در این کشورها بسیار ارزان و حتی ارزان‌تر از منابع دیگر انرژی و حتی منابع

نفت خام در دیگر نقاط جهان بویژه در آمریکا است. هر کس که کنترل تولید نفت در این کشورها را برعهده بگیرد در موقعیتی قرار می‌گیرد که می‌تواند از اختلاف هزینه تولید نفت رانت اقتصادی بزرگی را نصیب خود کند و مسئله دیگر این است که نفت یک کالای اقتصادی بوده و هست و هر کس کنترل تولید این کالای استراتژیک را در دست بگیرد در موقعیتی قرار می‌گیرد که می‌تواند دشمنان خود را با محروم کردن از این منبع حیاتی خلع سلاح کند و در گذشته هم از نفت به عنوان اهم فشار استفاده شده است.

سال‌های روابط سخت بین سرمایه‌گذار خارجی (شرکت‌های نفتی) و دولت‌های میزبان دارای ذخایر نفتی با منافع استراتژیک قدرت‌های صنعتی بزرگ جهان بویژه آمریکا و انگلیس در هم آمیخته شد و با ملی شدن صنعت نفت در برخی از کشورها این روابط کاملاً قطع شد. روند ملی شدن صنعت نفت از دهه ۱۹۳۰ با لغو امتیاز واگذاری بهره‌برداری از نفت ایران در سال ۱۹۲۴ شروع شد و با ملی شدن صنعت نفت در بولیوی (۱۹۳۷)، مکزیک (۱۹۳۸) و ایران (۱۹۵۱) ادامه یافت. علی‌رغم آن که صنعت نفت ایران در سال ۱۹۵۱ ملی شد، اما فعالیت شرکت‌های نفتی به مدت دو دهه دیگر در این کشور به همان روال قدیمی ادامه یافت و عوامل ایجاد کننده بی‌ثباتی که باعث از هم گسیختن این روابط می‌شد، به چشم نخود اما فشارهای زیادی در این مورد وجود داشت و بالاخره این فشارها باعث شد که ارتباط شرکت‌های نفتی و ایران در سال ۱۹۳۷ تقریباً خاتمه یابد. آخرین ردپاهای آن هم در سال ۱۹۷۹ در اوایل انقلاب ایران از بین رفت.

این روابط سه جانبه بین شرکت‌های نفتی، دولت‌های میزبان دارای ذخایر نفتی و دولت‌های صاحبان شرکت‌های نفتی، در قلب رویه‌های سیاسی و سیاست‌ها در صنعت بین‌المللی است و همین مسئله یکی از نقاط اصلی است که در این کتاب به آن پرداخته شده است.

نکته دوم کندی دردناک توسعه رقابت است. پس از جنگ جهانی دوم، شرکت‌های بزرگ نفتی، کارتلی نبودند که بتوانند تولید خود را طوری کنترل کنند که قیمت‌ها با سطوح افزایش میزان واقعی هزینه‌های عرضه هماهنگ شود و این شرکت‌های بزرگ در

بیشتر امتیازات نفتی که در کشورهای خاورمیانه، اندونزی (در حجم کمتر) در ونزوئلا داشتند به عناوین مختلف بیشتر تحت تأثیر حوادث تاریخی بودند تا این که تدابیر خاص خودشان را اعمال کنند. با وجود این در آن زمان شرایطی حاکم بود که هیچ راه حل دیگری برای توافق در برنامه‌های سرمایه‌گذاری و (و در پی آن سطح تولید) تقریباً برای تمامی ورودی‌های نفتی تجارت بین‌المللی وجود نداشت و علت آن را می‌توان از مقایسه بین آنهایی که می‌خواستند سریع برون‌د و آنهایی که می‌خواستند آرام توسعه یابند، جستجو کرد.

عدم تعادل بین نیازهای نفتی شرکت‌ها بسته به نوع خریدشان به شرکت‌های Crude-Short (شرکت‌هایی که ظرفیت پالایشی آنها بیشتر از تولید نفتشان است) و شرکت‌های Crude-Long (شرکت‌هایی که ظرفیت پالایشی آنها کمتر از تولید نفت خامشان است) تقسیم می‌شود. این تقسیم بندی درست است.

شرکت‌های نفتی که براساس منافع و تاریخچه خاص خودشان شکل گرفته اند در بخش بالادستی و تولید نفت خام بیشتر خود را با شرایط بازار هماهنگ کرده اند تا اینکه وارد عرصه رقابت شوند و هیچ یک از آنها به افزایش عرضه پرهزینه نفت به منظور در دست گرفتن بازار فشار به دیگر شرکت‌ها اقدام نکردند. در حقیقت فرصت‌های زیادی بود که به امتیاز بهره‌برداری از نفت در ونزوئلا که صرفاً متعلق به یک شرکت خاص بود (اکسون و شل) و هزینه تولید کوتاه مدت آن بسیار ارزان تمام می‌شد، اعتنایی نشد.

هرچند در این سیستم یک طرفه نیز شرایط رقابتی برای شرکت‌های نفتی وجود داشت، بعلاوه این سیستم بسته نبود. در اواخر دهه ۱۹۵۰ و اوایل دهه ۱۹۶۰ این سیستم به جاهای دیگر هم نفوذ کرد. صادرات از کشورهای اتحاد جماهیر شوروی استحکام یافت و تولید رقابتی توسط شرکت‌های مستقل (اکثراً شرکت‌های آمریکایی) در ونزوئلا، لیبی، الجزایر، بخش دریایی ایران، کویت و عربستان سعودی توسعه یافت.

بنابراین طی چندین سال روند نزولی در قیمت‌های نفت به وجود آمد. اما این روند به طور ملال آوری کند بود.

کند بودن این روند با عوامل دیگری تشدید شد. شرکت‌های نفتی به طور افقی به یکدیگر ملحق شدند و بیشتر تولید نفت خام صادر شدنی جهان و بیشتر پالایشگاه‌های

پالایشگاه‌های وارد کنندگان بزرگ نفت، بیشتر تأسیسات بازاریابی جهان و بیشتر نفت کش‌ها و تأسیسات انتقال و خطوط انتقال نفت را به خود اختصاص دادند. سپس رقابت بین آنها به طور گسترده‌ای در بازارهای فرآورده و بخش‌های پالایشی مستقل کوچک خلاصه شد. در حقیقت، تعداد پالایشگرهای مستقل که شامل پالایشگاه‌های دولتی هم می‌شدند و نفت خام را وارد می‌کردند در دهه ۱۹۵۰ کم بود (هرچند این بخش به سرعت توسعه یافت) و فروش نفت خام هم به طبع آن محدود بود. علاوه بر این تقاضای جهانی نفت با چنان نرخ سریعی رشد می‌کرد و به مدت بیش از ۲۰ سال ادامه یافت که شرکت‌های نفتی هیچگاه به خاطر حجم زیادتر تولید نفت تحت فشار قرار نگرفتند و دوره بسیار کوتاهی برای ایجاد تعادل بین عرضه و تقاضا دچار مشکل شدند.

پس از بحران انرژی ۱۹۷۳ و ۱۹۷۹ کنترل تولید نفت کشورهای خاورمیانه و دیگر کشورهای عضو اوپک به دست دولت‌هایی افتاد که نهایتاً اوپک را از سازمانی که برای ایجاد تعادل در مقابل هفت شرکت نفتی بزرگ ایجاد شده بود به یک کارتل تبدیل کردند. اوپک سود قابل توجهی را بر قیمت‌های اولیه کشید به طوری که با یک سری وقایعی که عرضه نفت را تحت تأثیر قرار داد قیمت‌های نفت را به طور نجومی افزایش یافت. اما در سال ۱۹۷۳ ارتباط اساسی با شرکت‌های بزرگ نفتی به طور جدی تضعیف شد و بالاخره در سال ۱۹۷۹ قطع شد ولی آنچه ضرورت داشت این بود که سیستم فروش بین‌المللی نفت خام که در دست شرکت‌های نفتی قرار داشته و تحت فشارهای گوناگونی از جمله فشارهای دولت‌هایی مثل آمریکا قرار داشت.

از دست شرکت‌های نفتی خارج شده نفت خام و در شرایطی مانند شرایط کارتلی معامله شود. یعنی با همکاری محدود کردن میزان تولید، قیمت‌های نفت بالا نگه داشته شد.

در نتیجه این سیاست قیمت‌های نفت در سال ۱۹۸۱ کاهش یافت. البته به غیر از آنچه که در بالا به آن اشاره شد از سال ۱۹۵۰ به بعد مسائل دیگری بر صنعت نفت تأثیر گذاشت. مثلاً تأثیر قابل توجه رشد مصرف نفت در جامعه، نوع زندگی و توسعه صنعتی، مسائلی که باعث افزایش نگرانی در مورد محیط زیست شد حساسیت‌های ویژه‌ای که در مورد صنعت در هنگام بروز نشت نفت وجود داشت و

صدمات و آسیب‌های جبران ناپذیری که در اثر انفجارهای نفتی ایجاد شده بود. ساختارهای گوناگون بازارهای ملی و عکس‌العمل‌های دولت‌های کشورهای بزرگ وارد کننده نفت به علت وابستگی به عرضه نفت از سوی گروه کوچکی از کشورهای در حال توسعه که از لحاظ سیاسی بی ثبات بودن، عرضه‌هایی که به تعداد کمی از شرکت‌های خارجی (به جز آمریکا، انگلیس و هلند) صورت می‌گرفت. جنبه‌های استراتژیک عرضه بویژه در چین، جنگ سرد، تأثیر نفت در محیط زیست را می‌توان نام برد. در این کتاب به این مسائل به صورت اختصار پرداخته شده است. اما آنچه که نویسنده به آن تأکید کرده، چگونگی روابط بین شرکت‌های نفتی، کشورهای متبوع آنها و دولت‌های تولید کننده، رشد رقابت و دوره اصلاح پس از بحران انرژی دهه ۱۹۷۰ است. اینها سه جنبه بین‌المللی‌تر صنعت نفت هستند. مناطق که سیاست‌های گروه بندی‌های مختلف و سیاست‌های تأثیر متقابل آنها بر یکدیگر بیشترین بحران را دارد.

به نظر می‌رسد که نتیجه‌گیری در مقدمه نادرست و یا حداقل غیرمعمول باشد، اما من این کار را انجام می‌دهم چرا که این فایده را دارد که حداقل ذهن خواننده را به آنچه که کتاب می‌پردازد آشنا می‌کند.

اول این که عقیده دارم در دوره‌ای که به ۱۹۷۰ ختم می‌شد، این سیستم (شبه کارتلی که شامل افزایش فرسایشی و رقابت، عمل کردن در حیطه قرار دادهای امتیازی که به سختی سود نهایی و کامل شرکت‌های نفتی را تأمین می‌کرده است) پرمفعت بود. این سیستم باعث شد که توسعه سریع و منظم صنعت نفت جهانی در قیمت‌های بالاتر از قیمت‌های مورد نظر آنها صورت بگیرد. اما روی هم رفته توسعه به صورت افراطی هم نبود. این سیستم در بلند مدت توانمندی زیادی در خود انهدامی داشت. این سیستم موجبات رقابت و عرضه متنوع از لحاظ جغرافیایی را فراهم کرد. اگر این سیستم توسط وقایع سیاسی از بین نمی‌رفت، احتمالاً به علت افزایش رقابت‌ها قربانی می‌شد. اما در سال ۱۹۷۰ صلاحیت خود را از دست داد.

قضاوت در مورد دوره دوم که از سال ۱۹۷۱ شروع شد و تا سال ۱۹۸۶ ادامه دارد بسیار مشکل است. افزایش قیمت‌های نفت در سال ۱۹۷۳ و سال ۸۱-۱۹۷۹ چه در کوتاه مدت و چه در میان مدت بسیار مخرب بود این آثار مخرب به خاطر میزان افزایش

قیمت‌ها نبود بلکه به خاطر آثار سوئی بود که در پی آن شروع شد. رکود اقتصادی و تورم پس از آن، و سختی و مشقتی که پس از آن به مردم فراموش شده جهان سوم وارد شد. و شاید هنوز جهان نیازمند افزایش قابل توجهی در قیمت‌ها است تا سرعت کمر شکن رشد میزان مصرف جهانی نفت را کنترل کند. مسلماً کوتاه فکری است تصور کنیم که می‌توانیم بدون آن که میزان بهره‌وری تجهیزاتی که با نفت و فرآورده‌های آن کار می‌کنند را افزایش دهیم از خودروها گرفته تا یخچال‌ها و تجهیزات گرمازا در منازل و نیروگاه‌های تولید الکتریسیته بتوانیم کاری انجام دهیم و یا بدون آن که تعدد منابع عرضه انرژی که افزایش دهیم، بتوانیم کاری انجام دهیم. از طرف دیگر اوپک که پیروزی پیرکی خود را در زمینه افزایش سهم از مجموع تولید جهانی نفت و افزایش قیمت‌های آن را جشن می‌گیرد، اعضای آن در رنج هستند و از پیامدهای افزایش قیمت‌های نفت آسیب‌های بیشتری را هم خواهند دید.

آنهایی که بر اریکه قدرت انرژی جهان تکیه زده اند برخلاف تصور قربانی‌های اصلی این سراب جهانی هستند چرا که هزینه و قیمت‌های انرژی به طور نامحدودی افزایش می‌یابد.

دوره سوم، پس از ۸۶-۱۹۸۲ سخت‌ترین دوره برای قضاوت است چرا که در طی این سال‌ها سرمایه‌گذاری‌های نادرستی صورت گرفت مثلاً سرمایه‌گذاری بر روی شن‌های نفتی و استحصال نفت از آنها بسیار دردناک بود.

از رده خارج کردن نفتکش‌های قدیمی، بستن و یا توقف فعالیت پالایشگاه‌های از رده خارج شده و اضافه کردن تجهیزات جدید به آنها با قیمت‌های گزاف به هدف ساختن پالایشگاه‌های جدید از آن جمله اند. اما صنعت نفت یقیناً وارد دنیای جدیدی شد، وارد فضای رقابتی تری شد و هزینه‌های گزافی را در بر داشت. تکنولوژی نقش مهم‌تری را در صنعت نفت برعهده گرفت، صنعت نفت تا حدودی از سیستم امتیازی نفرت انگیز چه از لحاظ سیاسی و چه از لحاظ اقتصادی رها شد. اما اکنون حداقل یک بخش از معمای قدیمی هنوز وجود دارد.

چگونه می‌توان بین انواع مختلف نفت خام خلیج فارس که هزینه تولید بسیار پایینی دارد و در بازار رقابت گوی سبقت را می‌رباید و عرضه نفت خام‌های دیگر نقاط جهان که

از نظر جغرافیایی عرضه کنندگان متعددی دارد اما هزینه تولید آن بسیار بالاست. هماهنگی ایجاد کرد. بخشی از جواب این پرسش در سال‌های اخیر مشخص شده است: توسعه تکنولوژی می‌تواند هزینه تولید را تا حدودی کاهش دهد اما بخشی که هنوز باقی مانده این است که قیمت‌های نفت خام خاورمیانه در سطح کاملاً رقابتی هم بالاست.

البته مشکلات و فرصت‌های دیگری هم وجود دارد که اساساً نسبت به آنچه که در گذشته وجود داشته متفاوت است. اخیراً عراق توسط نیروهای آمریکایی و هم پیمان این کشور انگلیس اشغال شده است که نتایج این حمله بر صنعت نفت هنوز مشخص نشده است. روی هم رفته روی یک دوره بلند مدت کشورهای عضو اتحاد جماهیر شوروی سابق بعلاوه چین و هند که دارای جمعیت زیادی هستند و مساحت گسترده‌ای هم به خود اختصاص داده اند، بر صنعت نفت فشار وارد می‌کنند. به طوری که باعث می‌شد افق‌های عرضه و تقاضا در آینده مبهم باشد. و نکته دیگر این که چه کسی می‌داند تکنولوژی‌های جدید چه ارمغانی به همراه دارد. بدون شک آینده هم همچون گذشته جالب و شگفت انگیز است.

خاطر رهنمودهای ارزشمندشان و مدیریت محترم روابط عمومی وزارت نفت به خاطر حمایت‌های بی‌دریغ‌شان در خصوص چاپ این کتاب.

--- مدیریت محترم شبکه اطلاع رسانی نفت و انرژی (شانا) جناب آقای آرین خواه و همچنین مدیریت محترم انتشارات آن جناب آقای سعدی که زحمات چاپ و انتشار کتاب را متقبل شدند

--- و همه همکاران و عزیزانی که من را در ترجمه و آماده سازی این کتاب یاری دادند.

و با تقدیم کتاب به فرزندان عزیزم سینا و نیما

مریم پاشنگ

آذر ماه ۱۳۸۴

پیشگفتار

بررسی روند تحولات گذشته و آینده صنعت جهانی نفت و چگونگی روابط بین عرضه کنندگان و سرویس‌دهندگان بازار نفت از پیچیده‌ترین موضوعات یک قرن گذشته و آینده جهان است.

افزون بر آنکه تحولات سیاسی و اقتصادی در کشورهای تولیدکننده نفت و چگونگی انطباق منافع ملی این کشورها با قدرتمندان جهان از موضوعات اساسی در روابط بین‌المللی بوده تغییرات قیمت‌های پایه نفت در مناطق گوناگون جهان در چارچوب منافع مصرف‌کنندگان عمده نیز از اهمیت ویژه‌ای در روابط بین‌المللی برخوردار است. مطالعه این کتاب روند ایجاد شرکت‌های بزرگ نفتی جهان معروف به ۷ خواهران نفتی و شکل‌گیری شرکت‌های کوچک نفتی و همچنین روند ملی شدن صنعت نفت در کشورهای خاورمیانه و دخالت‌های آسکاب و پنهان قدرت‌های جهانی را با ظرافت و جهت‌گیری‌های نامحسوسی نمایان می‌سازد.

روند پیدایش سازمان کشورهای صادرکننده نفت (اوپک) و نقش آفرینی اعضای آن سازمان و نحوه تعامل هر یک از اعضا با قدرت‌های غربی بسیار آموزنده است و می‌تواند در نقشه راه آینده مجموعه این کشورها و یا هر یک از آنها مؤثر باشد.

توسعه فناوری در صنعت نفت جهانی و منطقه خاورمیانه و قابلیت‌ها و شایستگی‌های شرکت‌های چند ملیتی و تصویب قوانین انحصاری و ضدانحصاری در آمریکا نیز می‌تواند تأثیرگذاری ثروتمندان و شرکت‌های چندملیتی و تأثیر آنها بر سیاست‌گذاری دولت‌های بزرگ و اثرپذیری کشورهای وابسته را به نفت و انرژی نشان دهد.

تمرکز تولید نفت در نقاط خاصی از جغرافیای جهانی، روند سرمایه‌گذاری در تولید، میزان ذخایر اثبات شده کشورهای تولیدکننده و وابستگی رشد اقتصاد جهانی به تأمین انرژی ارزان و چگونگی مدیریت منابع کمیاب هیدروکربوری نیز محور دیگری در بررسی تاریخ نوین صنعت نفت در جهان است که در این کتاب با آن آشنا می‌شوید.

امنیت عرضه نفت در سطح جهان و وابستگی امنیت ملی قدرت‌های بزرگ جهان به آن در سال‌های اخیر در ارتباط با اشغال عراق توسط آمریکا و انگلیس و حضور سیاسی-

نظامی و اقتصادی دولت‌های سلطه‌گر و شرکت‌های نفتی بین‌المللی در منطقه، رویکرد جدیدی است بر مدیریت منابع مورد نیاز قدرت‌های در حال ظهور جهانی مانند چین، هند و ژاپن که توسط اشغالگران علی‌رغم مخالفت‌های مردم جهان و بسیاری از دولت‌ها و سازمان ملل صورت پذیرفته است.

اما آنچه که امروز جامعه و بویژه متخصصان و علی‌الخصوص مهندسان و کارکنان صنعت نفت ایران می‌توانند مورد توجه قرار دهند آن است که ساختار مدیریت و اهداف و سیاست‌های مصرف‌کنندگان نفت در جهان را بشناسند، نقش شرکت‌های بزرگ بین‌المللی نفتی و چگونگی تسلط آنها بر بازارهای تقاضا و تا حدودی انحصار سرمایه‌گذاری آنها در صنعت نفت جهان را ارزیابی کنند و با تحلیل پیچیدگی، و چگونگی تأثیرگذاری و تأثیرپذیری مصرف‌کنندگان عمده و تولیدکنندگان منطقه و شرکت‌های بین‌المللی و روابط بین آنها را بررسی کنند و در سیاست‌گذاری برای حداکثر سازی منافع ملی به کار برند.

نقش آفرینی کشورهای تولیدکننده عضو اوپک در صورتی میسر خواهد بود که ساختار جهانی شرکت‌های نفتی و اهداف قدرت‌های بزرگ را به طور دقیق بررسی و روش‌های اعمال سیاست در قیمت‌گذاری، زمان بندی مورد نیاز برای ایجاد ذخایر راهبردی و چگونگی شکل دهی روابط سیاسی برای دستیابی به حداکثر منافع آنها را شناسایی کنند و راهبردهای اساسی فناوری و نحوه دستیابی به آن و سرمایه‌گذاری آنها بر جایگزین‌های احتمالی منابع هیدروکربوری را ردیابی کنند و تمامی توان خویش را به کار گیرند تا راهبرد اساسی همکاری و مشارکت در کلیه فرایندهای صنعت نفت با هدف حداکثرسازی منابع با قاعده بازی برد-برد به جای برد-باحت قدرت‌های سلطه‌گر را اتخاذ و از رقابت ناسالم در تولید صیانت نشده، افزایش تولید علاوه بر سهم تعیین شده و تخلف از تولید در بازار و همگرایی با منافع مصرف‌کنندگان و واگرایی با منافع تولیدکنندگان پرهیز کنند. آنچه باید آموخت آن است که راه آینده زندگی کشورهای عضو اوپک نگاه درونزا و همکاری گسترده و اعتماد همه جانبه به کشورهای منطقه و تعامل سازنده و مؤثر با کشورهای مصرف‌کننده در یک روند عادلانه، امنیت عرضه و تقاضای جهانی است.

امید است نقد و نظرهای موشکافانه و عالمانه همه متخصصان و خبرگان صنعت نفت بتواند افق‌های جدیدی را برای بالندگی صنعت نفت ایران و حضور موثر صنعتگران در عرضه داخلی و خارجی فراهم آورد و موجب یکپارچگی روابط اقتصادی و سیاسی در تنظیم قراردادهای، معاهدات و همکاری‌های منطقه‌ای و جهانی شود.

بدیهی است که بین نویسندگان و شخصیت‌های سیاسی که مدیران سازمان‌های منطقه‌ای و جهانی هستند کمتر افراد و اشخاصی می‌توان یافت که واقعه نگاری کنند و با بی نظری به رخدادها بنگرند. طبیعی است که براساس منافع شخصی، ملی، منطقه‌ای و حیاتی به نگارش و نوشتار می‌پردازند ولی آنچه ما می‌توانیم مورد توجه قرار دهیم شناخت اهداف آنهاست تا آنکه با هوشمندی موجبات سرافرازی ملی را فراهم آوریم.

دکتر علی مبینی دهکردی